

سیاست اخلاقی در منظومه فکری امام خمینی (ره)

مهسا بهرام نژاد¹

چکیده:

از آنجایی که اعتقاد به نوع رابطه اخلاق و سیاست از دیدگاه حاکمان و سیاستمداران تأثیر مستقیم روی انتخاب نوع حکومت و تنظیم ساختار و سیاست های کلی آن دارد، در این مقاله کوشش شده است که بعد از تعریف اخلاق و سیاست از نظر لغت و اصطلاح، روی کرد های عمده و مبنایی اندیشمندان علم سیاست را که در این باب مطرح گردیده و لو به صورت اجمال بیان نموده و از میان آنها به تبیین نظر و دیدگاه امام خمینی (ره) که همان یگانگی و عینیت اخلاق و سیاست است پرداخته گردد. ضرورت تحقیق از آنجایی منشاء می گیرد که سیاست و اخلاق مهم ترین مقوله ای است که بشر امروز همواره در مسیر زندگی اش به آن محتاج بوده، با کمی تحقیق در تاریخ بشر روشن می شود که در ادوار مختلف فرمانروایان حاکمان پادشاهان و آنهایی که در قامت خلیفه گام بر می داشتند با این دو مقوله حیاتی به گونه های متفاوت چگونه برخورد می کردند. آنها سیاست های اخلاقی را سرلوحه ی خودشان قرار می دادند. اگر بشر فضیلت های اخلاقی را فراموش نمی کرد جنگ ها، چالش ها در جهان، تفنگ و سلاح های کشتار جمعی معنی نمی داد به همین دلیل است که ما در تعاریف و بررسی سیر تاریخ اخلاق و سیاست اخلاقی دچار بحران فکری هستیم. بحران فکری ما در تدوین اخلاق چیست؟ و منظومه فکری امام خمینی در رابطه اخلاق و سیاست چگونه بوده است؟ در چنین نگاهی می توانیم جوامع مختلف را به یک نظام اجتماعی مبتنی بر یک زنجیره اصول هنجارها، ارزش و الگوهای اخلاقی راهنمایی کنید. محدوده پژوهش از منظر فقه اسلام بررسی شده و روش گردآوری اطلاعات آن کتابخانه ای و توصیفی بوده است. نتایج حاکی از این است که سیاست اخلاقی در پی هدایت و راهبری جامعه و افراد جامعه به سعادت می باشد. تمام مصالح جامعه و تمامی ابعاد انسان و جامعه را در نظر می گیرد و آنها را به طرف آن متوالی که به احسان است هدایت کند. افلاطون در کتاب جمهور، سقراط فیلسوف و متفکر بزرگ در این باره پژوهش هایی را انجام دادند.

واژگان کلیدی: امام خمینی، اندیشه، اخلاق، سیاست، تعامل

¹. طلبه ورودی ۹۵ مدرسه علمیه ریحانه الرسول (س) نکا، شماره تماس: ۰۹۱۱۶۸۶۰۹۵۷

مقدمه :

بدون شک بحث در مورد رابطه اخلاق و سیاست از جمله مباحث مهم، بنیادی و کاربردی است که اعتقاد به نوع رابطه آن دو از دیدگاه حاکمان و سیاستمداران تأثیر در انتخاب نوع حکومت، شیوه حکومت داری و تنظیم امور حکومتی خواهد گذاشت و بر مبنایی همین اعتقادات و تفکرات پیشگامان علم سیاست است که رویکردهای مختلف در باب رابطه اخلاق و سیاست مطرح شده است.

لذا رابطه اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی، فقهی امام خمینی (ره) و تبیین نظر ایشان به صورت روشن و شفاف نیازمند است که ما به عنوان پیش نیاز نخست این دو واژه را از نظر لغت و اصطلاح معنی نموده و دیدگاه ها و رویکردهای عمده و مبنای را که در این مورد مطرح شده و لو به صورت اجمال و گذرا بررسی کنیم تا بتوانیم مبنا و دیدگاه امام را به روشنی دریابیم زیرا بدهی است که کوشش های فکری انجام شده در حوزه سیاست و اخلاق توسط پیشگامان فلسفه و اندیشه سیاسی و تولیدات فکری آنان در تبیین پدیده ها و تعریف های که اندیشمندان از این دو واژه اراده کرده اند همگی بیانگر این مطلب است که تفاوت های اساسی، در چگونگی نگرش اندیشمندان عرصه، سیاست و اخلاق، درباره دو مقوله اخلاق و سیاست است و به طبع آن تعریف های که ارائه کرده اند نیز مختلف است.

ضرورت این پژوهش مبتنی بر این است که برخی بر این باور هستند که می توان این دو مقوله ی سیاست و اخلاق را در حکومت اسلامی جدا در نظر گرفت.

هدف ما بررسی سیاست اخلاقی، در منظومه فکری امام خمینی (ره) می باشد. در این تحقیق از رویکرد جدای اخلاق از سیاست، آموزه تبعیت اخلاق از سیاست، معنای سیاست و جایگاه قدرت بحث شده است.

الف: مفهوم اخلاق

۱- اخلاق در لغت

- «در لغت اخلاق به معنای دانش بد و نیک خوی ها، و علم اخلاق، علم معاشرت با خلق است.»

- «اخلاق به معنی طبیعت درونی و سرشت درونی، تهذیب اخلاق یا تهذیب نفس است و یکی از شعب حکمت عملی دانش بد و نیک خوی ها و تدبیر انسان است برای نفس خود».

- «اخلاق جمع خُلُق و خُلُق است به گفته راغب در کتاب مفردات این دو واژه در اصل به یک ریشه باز می گردند. (خلق) به معنای هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می بیند و (خُلُق) به معنای قوا و شجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می شوند بنابراین می توان گفت: (اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است).^۱»

۲- اخلاق در اصطلاح

اخلاق از جمله مفاهیمی است که هر متفکر و فیلسوف اخلاقی، آن را با توجه به بینش و دیدگاه خاصی که از جهان هستی و انسان دارد معنی می کند. در اصطلاح تعریف های گوناگونی برای اخلاق وجود دارد زیرا ملاک و معیار فعل اخلاقی در مکاتب و فرهنگ ها یکسان نمی باشد و درباره آن دیدگاه های متعددی بیان شده است از جمله:

- اخلاق «مجموعه از قواعد و هنجارها است که کردار انسان را راهنمای و مهار می کند.» پس اخلاق مقوله ای است که حدود و نحوه انجام کار را مشخص می سازد اخلاق از این دید شبیه به قانون است ولی تفاوت

^۱. ابن منظور، لسان العرب، بیروت: نشر ادب الحوزه ۱۴۰۵ق.

^۲. احمد بن محمد مسکویه رازی، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: نشر بیدار، ۱۴۱۴ق.

آنها این است که ضمانت اجرای فرمانهای اخلاقی تا حدی زیادی مکانیسم های درونی و وجدان استوار است در حالیکه قانون ضمانت اجرای درونی ندارد.

-«خُلُق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهای دعوت می کند بدون اینکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد»

-«خلق ملکه بود نفس را مقتضی سهولت صدور فعلی از او بی احتیاج به فکر و رویتی»، وی معتقد است که دو چیز سبب به وجود آمدن آن ملکه می شود: یکی طبیعت و دومی عادت .

-«اخلاق را می توان به مشابه الگوی رفتاری که مبتنی بر ارزش های مطلق، ناظر بر خیر و خوبی است توصیف کرد»

-«علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی به آنگونه که باید باشد». از تعریف های که برای اخلاق ذکر شد می توان دریافت که هدف اخلاق، ساختن انسان و جامعه فضیلت مند است که در پرتو آن انسان به سعادت و خوش بختی دست می یابد

ب: مفهوم سیاست

واژه سیاست، یک واژه است که همه مردم اعم از باسواد و بی سواد خواص و عوام هر روز آن را بارها در گفت و شنودهای خود به کار می برند و هر یک از ما در عباراتی نظیر سیاست کشور سالم است، سیاست فلان کشور سالم نیست، در سیاست فلان کشور به گانه دخالت می کند، فلان شخص سیاست مدار خوبی است ، سیاست یعنی دروغ ، سیاست یعنی فریب و عوام فریبی و ... را هر روز به کار می بریم یا می شنویم مقصود همدیگر نیز تا حدودی می دانم ولی اگر بخواهیم معنای (سیاست) را از مردم سوال کنم هر کس در حد فراخور فهم خود آن را معنی می کند، و این دلیل بر وسعت و گستردگی آن است و آنچه که فهم معنای سیاست را مشکل کرده است، معین و مشخص نبودن قلمرو آن است خصوصاً نسبت به امور اخلاقی که آیا قلمرو سیاست

نسبت به اخلاق و برعکس تا چه حد است، هر کدام نسبت به دیگری تاچه میزان تاثیر دارد و ما قبل از پرداختن به تعریف سیاست در اصطلاح لازم می دانیم معنای لغوی آن را بیان کنیم.

۱- معنای لغوی سیاست:

- سیاست در لغت به معنای تصدی شؤون ملت و تدبیر امور مملکت است .
- در لسان العرب آمده است ک سوس به معنای ریاست است و معنای (سیاستشان کرد) این است که بر آنان ریاست کرد خلاصه این که سیاست به معنای تلاش برای اصطلاح چیزی است .
- حکم راندن بر رعیت و اداره کردن امور مملکت ، حکومت کردن ، ریاست کردن^۱
- فرماندار کسی است که رعیت و امور مربوط به آنها را سیاست کند وقتی می گویند فلان شخص امور قبیله اش سیاست نموده یعنی بر قبیله خود ریاست نموده است .

۲- معنای اصطلاحی سیاست

- اندیشمندان عرصه سیاست با توجه به مبانی فکری، هستی شناسی و انسان شناسی خود هر کدام سیاست را به گونه تعریف کردن که با مبانی فکری شان سازگار باشد به عنوان نمونه از نظر اندیشمندان اسلامی سیاست به این معانی است .
- سیاست عبارت است از تسوئیس و تربیت انسانها در جهت رسیدن به صلاحیت کمالی آنها و تدبیر و کشانیدن آن به طریق خیر و سعادت .

۱. توکودیدس (توسیدید) تاریخ جنگ پلوپونزی، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۷.

۴) یگانگی اخلاق و سیاست در اسلام

امام بر این نظر است که اگر انسان به خودش وا گذاشته شود در بند شهوات و نیازهای مادی اسیر خواهد شده و هرگونه نظام تربیتی و سیاسی از پرورش ابعاد معنوی او ناتوان خواهد بود حال آنکه اساس همه چیز معنویت است و با اصلاح و پرورش بعد معنویت در انسان همه مشکلات دیگر حل خواهد شد امام(ره) معضل جهان امروز را معضل اخلاقی می داند که اگر حل نشود جهان در سراشیبی سقوط پیش خواهد رفت «آن چیزی که دنیا را تهدید می کند، سلاح ها و سرنیزه ها و موشک ها و امثال این نیست ... آن چیزی که دارد این انسانها را و این کشورها را رو به هلاکت و رو به انحطاط می کشاند این انحطاط های است که در سران کشورها، در دست به کارهای این حکومت ها از انحطاط های اخلاقی دارد تحقق پیدا می کند» از نظر امام(ره) مکتب اسلام تنها یک مکتب مادی نیست، بلکه یک مکتب مادی - معنوی است، «اسلام برای تهذیب نفس آمده است مقصد اسلام و همه انبیا این است» بنا براین خاستگاه هر رویکرد سیاسی باید اخلاقی باشد و توجه به معنویت اجتناب ناپذیر است چون اساس معنویت است. و اساسا سیاست بدون اخلاق از هدایت مردمان و تأمین مصالح حقیقی آنان ناتوان است و چنین سیاست از نظر امام(ره) سیاست اسلامی والهی نیست. در واقع اخلاق در دل نظام فکری سیاسی امام خمینی (ره) جای دارد که همه دانشها بر محور آن می چرخند. از نظر ایشان به استناد حدیثی از رسول خدا همه دانشها در سه مقوله کلی جای می گیرند. چرا که انسان دارای سه ساحت وجودی و سه نشه است: یکی، نشه ظاهری و حسی، دوم، نشه مثالی و سوم، نشه عقلی. علم معاشرت و احکام فقه و معاملات، ناظر به ساحت نخست است و علوم عقلی، ناظر به ساحت سوم؛ اما آنچه متناظر با ساحت دوم (نشه مثالی) و مکمل آن است. اخلاق نامیده می شود. انسان اگر بخواهد از منطق و قانون غرایز فراتر برود، نیازمند اخلاق به معنای وسیع آن است. اخلاق در این نگرش به تعدادی دستورات اخلاقی صرف، منحصر نمی شود، بلکه در حقیقت دانشی است که عمیقترین زوایای وجودی انسان را می کاود، می شکافد و بر دملهای چرگین او بیشتر می زند و او را درمان می کند. به خاطر همین، می توان دانش اخلاق را شریف ترین دانشها و غایت بعثت

پیامبران دانست. سخن رسول خدا نیز ناظر به انگونه اخلاق است که آن را هدف بعثت خود معرفی نموده است. بدین معنا انسان می‌تواند از بسیاری از دانش‌ها بی‌نیاز باشد، اما نمی‌تواند خود را از اخلاق بی‌نیاز شمارد. چرا که این دانش سرمایه سعادتی است که بر همین اساس امام خمینی (ره) می‌فرماید: «غایت بعثت و نتیجه دعوت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) اکمال مکارم اخلاق است و در احادیث شریف مجملاً و مفصلاً به مکارم اخلاق بیش از هر چیز - بعد از معارف - اهمیت دادند... و اهمیت آن بیش از آن است که ما از عهده حق بیان آن براییم. انقدر معلوم است که سرمایه حیات ابدی آخرت و رأس المال تعیش آن نشئه، حصول اخلاق کریمه و اتصاف به مکارم اخلاق است» پس در کل می‌توان گفت، در نظام فکری - سیاسی امام خمینی (ره) اخلاق و سیاست عین هم و هردو در پی یک هدف هستند یعنی از یک طرف، هدف اخلاق، ساختن انسان و جامعه فضیلت مند است که در پرتو آن، انسان بتواند به سعادت و خوشبختی دست یابد، از طرفی سیاست نیز تدبیر امور است تا آدمی به سعادت برسد. بنابراین غایت اخلاق و سیاست هر دو یکی است که همان خیر آدمیان و تأمین کننده سعادت و نیک بختی دنیا و آخرت انسان می‌باشد.

نتیجه :

با توجه به آنچه گفته شد معلوم می شود از نظر امام(ره) با دو دانش و دو حوزه مستقل بنام (حوزه اخلاق و حوزه سیاست) سر و کار نداریم که در عرض هم باشند بلکه سیاست امتداد اخلاق و اخلاق زیر ساز سیاست است و هدف اسلام هم رشد ابعاد مادی و معنوی انسان است و این ابعاد باید همسو و هماهنگ پرورش یابند، لذا احکامی که اسلام وضع کرده است برای بشر، گر چه بعضی جنبه فردی و بعضی جنبه اجتماعی دارد، برخی جنبه تربیتی و بعضی سیاسی است اما همه در پی تأمین یک هدف هستند که آن، سعادت دنیا و آخرت انسان است، پس احکام اسلام اولاً جامع است همه ابعاد و جنبه های وجودی انسان را در بر می گیرد و ثانياً احکام اسلام ناقض هم دیگر نیستند بلکه همدیگر را تکمیل می کنند به همین جهت است که امام(ره) به صراحت اخلاق و سیاست دینی را یکی می داند و بر نظریه یگانگی این دو تأکید می کند می گوید، اسلام احکام اخلاقی اش هم سیاسی است همین حکمی که در قرآن هست که مومنین برادر هستند این یک حکم اخلاقی است، یک حکم اجتماعی است، یک حکم سیاسی است، اگر مومنین، طوایف مختلفی که در اسلام هستند و همه هم مومنین به خدا و پیامبر اسلام هستند آنها با هم برادر باشند، همانطوری که برادر با برادر نظر محبت دارد، همه قشرها با هم نظر محبت داشته باشند، علاوه بر آنکه یک اخلاق بزرگ اسلامی است و نتایج بزرگ اخلاقی دارد یک حکم بزرگ اجتماعی است و نتایج بزرگ اجتماعی دارد. در کل همان طور که متن مقاله بیان شد می توان گفت، در نظام فکری - سیاسی امام خمینی (ره) از یک طرف، هدف اخلاق، ساختن انسان و جامعه فضیلت مند است که در پرتو آن، انسان بتواند به سعادت و خوشبختی دست یابد، از طرفی سیاست نیز تدبیر امور است تا آدمی به سعاد برسد. بنابراین غایت اخلاق و سیاست هر دو یکی است که همان خیر آدمیان و تأمین کننده سعادت و نیک بختی دنیا و آخرت انسان می باشد.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه ، خطبه ۵
۳. ابن منظور، لسان العرب (۱۴۰۵)، بیروت: نشر ادب الحوزه.
۴. فارابی، ابونصر (۱۳۴۸)، احصا العلوم ترجمه حسین خدیو جم، تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران.
۵. رازی، احمد بن محمد مسکویه (۱۴۱۴)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: نشر بیدار.
۶. افلاطون (۱۳۷۴)، ترجمه فواد روحانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی .
۷. امام خمینی (۱۴۱۵)، البیع ، ج ۲ ص ۴۷۲ ، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۸. امام خمینی (۱۳۷۶)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. ایما نوئل کانت (۱۳۷۸)، درسهای فلسفه اخلاق، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی ، تهران ، نقش و نگار.
۱۰. پل رو شریک (اخلاق نسبی است یا مطلق) ترجمه سعید عدالت نژاد، مجله نقد و نظر، سال چهارم ۱۰۲.
۱۱. توکودیدس (توسیدید) (۱۳۷۷) تاریخ جنگ پلوپونزی، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۲. جولیانو پونتارا (۱۳۷۰)، اخلاق ، سیاست ، انقلاب ، ترجمه حمید غفاری، چاپ شده در فصلنامه فرهنگ.
۱۳. خرد در سیاست ، (مجموعه مقالات) گزیده و نوشته و ترجمه عزت الله قولادوند ، (فراسوی نیهلیسم) مایکل پولانی، تهران : طرح نو.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.